

# چشم‌انداز آینده بخش توزیع درآمد و

## سیاست‌های لازم برای بهبود آن

نویسنده: حسن زیبایی\*

### چکیده

هدف از این تحقیق بررسی چالش‌ها، مشکلات و ارائه چشم‌انداز بخش توزیع درآمد در ایران طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴ با استفاده از یک الگوی اقتصادسنجی است. بخش اول این مقاله به بررسی برخی از نظریه‌ها و کارهای تجربی مربوط به توزیع درآمد در سطح ملی و بین‌المللی می‌پردازد. در بخش بعدی روند شاخص‌های توزیع درآمد و رفاه اجتماعی طی بیست سال گذشته بررسی می‌شود. سپس به مطالعه تطبیقی بین ایران و منتخبی از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در زمینه شاخص‌های توزیع درآمد می‌پردازد. در بخش بعدی با استفاده از مطالعات بخش اول، یک الگوی اقتصادسنجی طراحی می‌شود که هدف این الگو تبیین رفتار شاخص‌های نابرابری (ضریب جینی، نسبت دهک پایینی به دهک بالایی، نسبت بیست درصد پایینی به بیست درصد بالایی) و شاخص رفاه اجتماعی طی دوره زمانی ۱۳۵۰-۱۳۸۳ و انجام پیش‌بینی‌های مورد نیاز است. در بخش بعدی با کمک الگوی مذکور و مفروضات

\* رئیس گروه دفتر برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصاد کلان، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی

برنامه چهارم توسعه (در واقع مقروضات برنامه چهارم متغیرهای برونزای این مدل هستند)، چشم‌انداز بخش توزیع درآمد طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴ در سه گزینه: ادامه روند موجود، رشد اقتصادی ۷ درصد و رشد اقتصادی ۸/۶ درصدی ارائه می‌شود. پس از آن مشکلات و چالش‌های اساسی در حوزه توزیع درآمد بررسی خواهد شد. و در پایان با استفاده از نتایج حاصل از الگو، راهکارهای سیاستی، الزامات بهبود توزیع درآمد و رفاه اجتماعی ارائه می‌گردد.

## ۱. مقدمه

عدالت اجتماعی همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف و آرمان‌های نظام‌های تصمیم‌گیری سیاسی و اقتصادی برشمرده می‌شود. به طوری که در بسیاری از جوامع توان فکری و منابع مالی چشمگیری مصروف نیل به این آرمان اجتماعی شده است.

عدالت اجتماعی، به معنای اخص آن در بعد اجتماعی، الزام به عدالت در مناسبات اجتماعی و رفع تبعیض در بین گروه‌های اجتماعی، بین زنان و مردان، اقوام و نژادها و نیز مناطق مختلف را ایجاد می‌کند. در بعد اقتصادی، عدالت به رابطه بین فعالیت اقتصادی احاد جامعه و عایدی این فعالیت‌ها مربوط می‌شود. به این معنا که تلاش هر فرد و بازده اقتصادی وی چه رابطه‌ای با درآمد حاصل از تلاش مزبور دارد. انجام مطالعه درباره عدالت اجتماعی و تبیین دقیق مفهوم آن، از دو نظر اهمیت حیاتی دارد اول اینکه، اساساً تحقق عدالت اجتماعی هدف نهایی تشکیل نظام جمهوری اسلامی است. دوم اینکه، تاکنون عدم تبیین دقیق موضوع پیامدهایی ناگواری، و نیز استنباط نادرست از عدالت اجتماعی، برداشت سطحی و تکیه به نمودهای ظاهری عدالت اجتماعی، هزینه‌های سنگین برای کشور در برداشته است.

## ۲. مروری کوتاه بر مبانی نظری و تجربی

در بسیاری از تحقیقات انجام شده در زمینه توزیع درآمد، به ارتباط بین توزیع درآمد و رشد و توسعه اقتصادی توجه شده است. بحث در این زمینه با فرضیه کوزنتس (۱۹۵۵) شروع شده است.

آن دسته از محققانی که به بررسی اثر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد پرداخته‌اند، عبارتند از: کراویس (۱۹۵۹)، اوشیما (۱۹۷۰)، پاکرت (۱۹۷۳)، اهلوالیاء دولوی و جولی (۱۹۷۴)، کلاین (۱۹۷۵)، لینال (۱۹۷۷)، کرامول (۱۹۷۷)، نولان (۱۹۸۶)، رام (۱۹۸۸)، باورگوتینگن و مورسیون (۱۹۹۰)، جی‌ها (۱۹۹۶) و باومن (۱۹۹۷)، همچنین گروهی از محققان نظیر: شولتز (۱۹۶۹)، بلیندر و ایساکی (۱۹۷۸)، نولان (۱۹۸۸)، بلجر و گوررو (۱۹۹۰)، بالیر و گالدی (۱۹۹۵) به بررسی اثر بعضی از شاخص‌های اقتصادی کلان بر توزیع درآمد پرداخته‌اند. به طور اجمال در خصوص کارهای تجربی می‌توان به برخی از کارها به شرح ذیل اشاره نمود.

### الف) تجربه سایر کشورها

**مدل شولتز:** شولتز در کار تجربی خود با استفاده از اطلاعات سری زمانی، مهم‌ترین عامل مؤثر در نابرابری توزیع درآمد را بیکاری دانسته، در حالی که اثر تورم و اثر سهم درآمد تولید را کم اهمیت‌تر بیان کرده است.

**مدل نولان:** نولان (۱۹۸۸) با استفاده از اطلاعات سری زمانی توزیع درآمد، نرخ تورم و روند خطی زمانی، به بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در انگلستان در دوره (۱۹۴۹-۱۹۷۹) پرداخت و به همان نتایجی رسید که بلیندر و ایساکی (۱۹۷۸) در مطالعه‌ای مشابه در آمریکا به آن رسیده بودند. آنها توزیع درآمد را در گروه‌های ۲۰ درصدی درآمدی خلاصه نموده و از آنها به عنوان متغیر وابسته استفاده کردند و به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توزیع درآمد، تورم، بیکاری و سهم درآمد تولیدی باشد.

**مدل بلجر و گوررو:** در یک مطالعه تجربی که بلجر و گوررو<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) با عنوان "اثرهای سیاست‌های کلان اقتصادی بر توزیع درآمد، یک مطالعه تجربی از کشور فیلیپین" انجام دادند، مدلی به صورت ذیل، برای ارزیابی اثرهای سیاست‌های تثبیت اقتصادی بر توزیع درآمد در کشور فیلیپین ارائه شده است:

$$\text{Log}(S_I/S_H) = C + \beta_1 \text{Log}P + \beta_2 U + \beta_3 \text{Log}E + \beta_4 \text{Log}g + \beta_5 \gamma + \beta_6 \pi + \beta_7 t$$

که در آن:  $S_L/S_H$  نسبت سهم دهک پایین درآمدی به دهک بالای درآمدی،  $P$  تابع بهره‌وری،  $U$  بیکاری،  $E$  نرخ واقعی ارز،  $G$  مخارج واقعی دولت،  $\gamma$  نرخ واقعی بهره،  $\pi$  نرخ تورم،  $t$  روند زمانی.

نتایج مدل نشان می‌دهد که افزایش بهره‌وری نیروی کار (مثلاً از طریق دستمزد) منجر به کاهش نابرابری می‌گردد. همچنین افزایش نرخ واقعی ارز و نرخ واقعی بهره، به کاهش پراکندگی بین سهم گروه پایین و گروه بالای درآمدی تمایل دارد. ضریب منفی و معنادار بیکاری نشانی می‌دهد که بدتر شدن وضعیت بازار کار مثلاً از طریق کاهش دستمزدها، تأثیر منفی شدیدی بر گروه‌های پایین درآمدی خواهد داشت. همچنین تورم به صورت یک مالیات نزولی<sup>۱</sup> عمل نموده و مخارج دولتی نیز تأثیر باز توزیعی نزولی دارد و نرخ بهره واقعی دولت در جهت مقابل عمل می‌کند.

**مدل بالیر و گالدی:** بالیر و گالدی<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) به منظور بررسی اثرهای تورم و بیکاری بر

توزیع درآمد در برخی از کشورهای در حال توسعه با استفاده از مدل بلیندر و ایساکی به آزمون دو فرضیه پرداختند.

الف) اولین فرضیه آزمون شده این بود که آیا تورم می‌تواند باعث تغییر موقعیت نسبی درآمد گروه‌های مختلف درآمدی شود.

ب) دومین فرضیه آزمون شده این بود که آیا تمام سیاست‌های کلان اقتصادی (علاوه بر سیاست‌های مالی) که بر بیکاری تأثیر می‌گذارند، بر توزیع درآمد نیز تأثیر دارند؟

همچنین در کوتاه‌مدت سیاست‌های پولی (علاوه بر تأثیر بر تورم) به طور غیرمستقیم می‌تواند بر شکاف بین تولید بالقوه و بالفعل تأثیرگذار باشد. همچنین تأثیر کلی و توزیعی سیاست‌های کلان اقتصادی در میان گروه‌های مختلف درآمدی به اهمیت نسبی دستمزدها و سایر انواع درآمدها، میزان پرداخت به بیکاران و پوشش تأمین اجتماعی مرتبط می‌شود.

## ب) تجربه ایران

مدل ابونوری: ابونوری (۱۳۷۶) در مطالعه‌ای با عنوان " اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران " الگوی خطی زیر را برای توزیع درآمد در ایران ارائه کرده است:

$$g = a_0.(I)^{a1}.(TE/TLF)^{a2}.(GNP/TE)^{a3}.(PI/GNP)^{a4}.(GE/H)^{a5}.(TP/H)^{a6}.e$$

که در آن:  $g$  شاخص نابرابری اقتصادی،  $GNP$  تولید ناخالص ملی،  $TE$  اشتغال کل،  $I$  تورم،  $PI$  درآمد شخصی،  $TLF$  کل نیروی کار،  $TP$  پرداخت‌های انتقالی،  $H$  تعداد خانوار،  $GE$  هزینه دولتی،  $e$  عوامل غایب و غیرقابل کنترل.

و یا به صورت خلاصه زیر:

$$g = a_0.(I)^{a1}.(ER)^{a2}.(LP)^{a3}.(IS)^{a4}.(GH)^{a5}.(TH)^{a6}.e$$

$LP = GNP/TE$  بهره‌وری نیروی کار،  $I$  تورم،  $IS = PI/GNP$  سهم درآمد شخصی از تولید ناخالص داخلی،  $ER = TE/TLF$  نسبت اشتغال،  $TH = TP/H$  پرداخت‌های انتقالی،  $GH = GE/H$  هزینه دولتی برای هر خانوار.

انتظار می‌رود افزایش در بهره‌وری نیروی کار بیشتر به نیروی کار گروه‌های درآمدی پایین‌تر تعلق گیرد و باعث کاهش شکاف بین گروه‌های مزد بگیر از یک سو و سود بگیر از سوی دیگر شود و سطح نابرابری کاهش یابد. همچنین افزایش تورم بسته به اینکه سهم تورم به طور نسبی در چه گروه از کالاها بیشتر باشد، تورم اثر افزایش یا کاهشی بر سطح نابرابری اقتصادی خواهد داشت. همچنین افزایش نسبت اشتغال نابرابری را کاهش می‌دهد و با افزایش سهم درآمد شخصی از تولید ناخالص ملی، سطح نابرابری افزایش می‌یابد زیرا سهم گروه‌های با درآمد بالا، از افزایش درآمد شخصی بیشتر است. اثر پرداخت‌های انتقالی و مخارج دولتی بر سطح نابرابری در هر جهتی می‌تواند باشد.

درآمد شخصی = هزینه‌های مصرفی بخشی خصوصی + پس‌انداز شخصی

می‌توان معادله بالا را با گرفتن لگاریتم از طرفین به فرم خطی زیر تبدیل کرد:

$$\text{Ln } g = b_0 + a_1 \text{Ln}(I) + a_2 \text{Ln}(ER) + a_3 \text{Ln}(LP) + a_4 \text{Ln}(IS) \\ + a_5 \text{Ln}(GH) + a_6 \text{Ln}(TH) + v$$

با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۳۷۰-۱۳۵۰ و روش حداقل مربعات تکراری به منظور رفع و یا تقلیل اثر خود همبستگی مدل فوق به صورت زیر برآورد و نتایج ذیل حاصل شده است:

$$\text{Ln } g = -0/51 - 4/02 \text{Ln}(ER) - 0/49 \text{Ln}(LP) + 0/3 \text{Ln}(GH) \\ + 0/07 \text{Ln}[I(-1)] + 0/36 \text{Ln}[IS(-1)] + 0/09 \text{Ln}(ITH) \\ R^2 = 0/87, \quad D.W = 2/2$$

**مدل برنامه سوم توسعه:** بخش توزیع درآمد مدل برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی، با مروری بر ادبیات موضوع و کارهای تجربی نظیر مدل شولتز، بلیندر و ایساک، بالبر و گالدی و... به بررسی و تبیین متغیرهای اصلی و تأثیرگذار بر توزیع درآمد پرداخته است. عمده‌ترین متغیرهایی که در مدل برنامه سوم استفاده شده عبارتند از: رشد اقتصادی، تورم و بیکاری که رشد اقتصادی باعث بهبود توزیع درآمد، و تورم و بیکاری باعث بدتر شدن توزیع درآمد می‌شود.

آنچه مسلم است اینکه در تمامی مطالعات مذکور سه متغیر کلان اقتصادی تأثیرگذار بر توزیع درآمد عبارت است از: رشد اقتصادی با تأثیر مثبت، تورم و بیکاری با تأثیر منفی. همچنین به سایر متغیرهای اقتصادی نظیر: بهره‌وری، حاشیه نرخ ارز، مالیات‌های مستقیم،... نیز در بعضی از این مطالعات به عنوان متغیرهای تأثیرگذار با اولویت بعدی اشاره شده است.

### ۳. تحلیل روندها و عملکردها

عملکرد اقتصاد کشور در بعد تحقق عدالت اجتماعی می‌تواند از طریق مطالعه تحولات توزیع درآمد، فقر و رفاه اجتماعی به صورت شاخص‌های کمی بررسی گردد.

## ۳-۱. توزیع درآمد

شاخص‌های توزیع درآمد متعدد و متنوع هستند. هر یک از این شاخص‌ها برای هدفی طراحی می‌شود و ممکن است نسبت به دیگر هدف‌ها نارسا و ناکافی باشد. در این میان، شاخص‌های سازگار با متحنی لورنز، همچون سهم دهک‌های درآمدی، نسبت سهم دهک بالایی به دهک‌های پایینی، نسبت سهم بیست درصد بالا به بیست درصد پایین و ضریب جینی متداول‌تر هستند.

همان‌طور که اشاره شد از جمله شاخص‌های سنجش توزیع درآمد نسبت هزینه دهک بالا (ثروتمندترین) به دهک پایین (فقیرترین) است و هر چه این نسبت بالا باشد نشان‌دهنده نابرابری بیشتر است. این نسبت از رقم  $23/1$  در سال  $1368$  به رقم  $22/08$  در سال  $1372$  کاهش یافته است. به استثنای سال  $1370$  در دوره  $1368-1372$  این نسبت از ثبات نسبی برخوردار بوده است. لازم است ذکر شود به دلیل اینکه آمارهای سال  $1370$  در دهک دهم، با سایر سال‌ها ناهماهنگی دارد، آمار سال  $1370$  غیر واقعی به نظر می‌رسد.

همچنین نسبت هزینه بیست درصد بالا به بیست درصد پایین از رقم  $11/05$  در سال  $1368$  به رقم  $10/49$  در سال  $1372$  کاهش یافته است. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، طی برنامه اول توسعه این دو نسبت برای جامعه شهری رو به کاهش و در جامعه روستایی رو به افزایش بوده، اما آنچه قابل تأمل است مقایسه نابرابری جامعه شهری با جامعه روستایی است. برای مثال در سال  $1369$  در جامعه شهری، نسبت هزینه ثروتمندترین دهک در حدود  $17$  برابر فقیرترین دهک بوده و در جامعه روستایی این نسبت حدود  $2/85$  برابر بوده است.

از دیگر شاخص‌های تحلیل توزیع درآمد که شرایط کلی توزیع (شامل گروه‌های میانی) را نشان می‌دهد ضریب جینی است و هر چه به یک نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده عدم تساوی بیشتر و هر چه به صفر نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده توزیع بهتر درآمد است. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود این شاخص از رقم  $0/44$  در سال  $1368$  به رقم  $0/43$  در سال  $1372$  کاهش یافته است (به استثنای سال  $1370$  که مشکل آماری وجود دارد). شرایط کلی توزیع درآمد طی دوره  $1368-1372$  با ثبات بوده است. همچنین در جامعه شهری وضعیت توزیع درآمد در برنامه اول توسعه رو به بهبود و در جامعه روستایی با وجود وضعیت بد توزیع درآمد در سال‌های ابتدایی برنامه ملاحظه می‌گردد که در سال‌های انتهایی برنامه وضعیت بهبود یافته است.

## جدول ۱. شاخص‌های نابرابری طی دوره ۱۳۶۳-۱۳۸۳

سال	ضریب جینی			نسبت دهک بالا به دهک پایین			نسبت ۲۰٪ بالا به ۲۰٪ پایین		
	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی
میانگین دوره ۱۳۶۳-۱۳۷۷	0/446	0/426	0/426	23/74	19/40	21/23	11/51	10/00	10/35
1368	0/44	0/42	0/42	23/1	19/1	22/1	11/1	9/7	10/2
1369	0/43	0/4	0/45	23/6	16/9	28/5	11/0	8/5	12/6
1370	0/486	0/477	0/452	33/4	26/3	29/0	14/2	11/9	12/8
1371	0/435	0/41	0/434	23/2	16/5	24/8	11/1	8/7	11/6
1372	0/425	0/393	0/431	22/1	14/9	25/9	10/5	8/0	11/5
میانگین برنامه اول توسعه	0/443	0/420	0/437	25/09	18/76	26/04	11/56	9/39	11/73
1373	0/424	0/395	0/431	20/0	14/5	22/8	9/9	7/9	10/6
1374	0/427	0/402	0/437	20/5	15/0	23/5	10/2	8/2	11/3
1375	0/43	0/404	0/42	20/2	15/0	19/9	10/2	8/3	10/0
1376	0/422	0/39	0/42	18/9	13/9	19/2	9/7	7/8	9/7
1377	0/43	0/39	0/44	21/2	14/2	23/0	10/5	7/9	11/1
1378	0/42	0/4	0/43	19/4	14/3	20/3	9/9	7/9	10/2
میانگین برنامه دوم توسعه	0/426	0/397	0/429	20/05	14/49	21/21	10/11	8/02	10/47
1379	0/430	0/40r	0/42r	20/07	15/09	20/64	10/13	8/20	10/31
1380	0/4ra	0/411	0/415	19/40	15/44	18/22	9/96	8/36	9/50
1381	0/4r0	0/40r	0/413	19	14/2	18/7	9/5	7/9	9/50
1382	0/41	0/386	0/393	15/7	12/85	15/2	8/43	7/23	8/23
1383	0/423	0/398	0/415	16/8	13/25	17/25	9	7/62	9/01
میانگین برنامه سوم توسعه	0/422	0/399	0/413	18/2	14/2	18	9/4	7/8	9/3

مأخذ: آمار بودجه خانوار، مرکز آمار ایران



طی دوره ۱۳۷۴-۱۳۷۸ نسبت هزینه دهک بالا (ثروتمندترین) به هزینه دهک پایین فقیرترین به استثنای سال ۱۳۷۷ از روند کاهشی برخوردار بوده طوری که این شاخص از رقم ۲۰/۵۴ در سال ۱۳۷۴ به رقم ۱۹/۲۷ در سال ۱۳۷۸ کاهش یافته است. این کاهش در جامعه روستایی کاملاً مشهود است و این شاخص از رقم ۲۳/۵ در سال ۱۳۷۴ به رقم ۲۰/۳ در سال ۱۳۷۸ کاهش یافته و این به مفهوم بهبود وضعیت دهک فقیرترین طی این دوره است. همچنین نسبت هزینه ۲۰ درصد بالای درآمدی به هزینه ۲۰ درصد پایین درآمدی طی دوره ۱۳۷۴-۱۳۷۸ بهبود یافته و بیشترین بهبود در جامعه روستایی اتفاق افتاده است. همان طوری که در جدول ۱ مشاهده می شود به رغم کاهش نابرابری در جامعه شهری و روستایی طی دوره مذکور، همچنان نابرابری جامعه روستایی در مقایسه با جامعه شهری بالاست. مثلاً نسبت دهک بالا به دهک پایین در سال ۱۳۷۸ در جامعه روستایی به میزان ۴۰ درصد بیشتر از جامعه شهری است. در مجموع وضعیت کلی توزیع درآمد طی برنامه دوم توسعه، با ثبات بوده است.

طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۳ نسبت هزینه دهک بالا (ثروتمندترین) به هزینه دهک پایین فقیرترین همچنان روند کاهشی داشته به گونه ای که این شاخص از رقم ۲۰/۰۷ در سال ۱۳۷۹ به رقم ۱۶/۸ در سال ۱۳۸۳ کاهش یافته است. این کاهش در جامعه شهری و روستایی نیز کاملاً مشهود است و این بهبود وضعیت به نفع دهک فقیرترین طی دوره مذکور اتفاق افتاده است. همچنین نسبت هزینه بیست درصد بالای درآمدی به هزینه بیست درصد پایین درآمدی طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۳ بهبود یافته است. در مجموع طی برنامه سوم توسعه ۱۳۷۹-۱۳۸۳ بهبود شاخص های توزیع درآمد همچنان ادامه یافته و این بهبود با توجه به جدول ۱ کاملاً مشهود است.

### ۳-۲. رفاه اجتماعی

از دیگر شاخص های سنجش بهبود توزیع درآمد، شاخص رفاه اجتماعی<sup>۱</sup> طبق تعریف آمارتاسن<sup>۲</sup> است، وی شاخص رفاه اجتماعی (W) را چنین تعریف می کند

$$W = \mu (1 - G)$$

۱. Social Welfare Index

۲. Amartyasen

که در آن  $\mu$  درآمد سرانه و  $G$  ضریب جینی است، این تابع، امکان مقایسه رفاه اجتماعی را در وضعیت‌هایی که در فضای حالت قابل مقایسه با یکدیگر نیستند، فراهم می‌کند.

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، شاخص رفاه اجتماعی از رقم ۱۵۳۶ در سال ۱۳۶۸ به رقم ۲۳۸۵ در سال ۱۳۷۲ افزایش یافته و به طور متوسط طی برنامه اول این شاخص سالانه ۱۱ درصد رشد داشته است. این بهبود وضعیت از دو عامل رشد اقتصادی و بهبود توزیع درآمد نشأت گرفته و مهم‌ترین عامل همان رشد اقتصادی بوده است چرا که درآمد ملی به طور متوسط سالانه ۱۰/۶ درصد رشد داشته است. و روند بهبود توزیع درآمد کاملاً ملایم و باثبات بوده است.

جدول ۲. شاخص رفاه اجتماعی طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۸۳

شاخص رفاه اجتماعی 1383=100	شاخص رفاه اجتماعی (3) <sup>۴</sup> (4)	شاخص بهبود توزیع درآمد (4)	درآمد سرانه (هزار ریال) (3)	جمعیت (هزار نفر) (2)	درآمد ملی (میلیارد ریال - ثابت ۱۳۷۱) (1)	
48	1536	0/563	2727/7	53187	145080	1368
58	1843	0/572	3222/8	54496	175632	1369
56	1790	0/514	3483/3	55837	194495	1370
62	1992	0/565	3526/3	56656	199789	1371
74	2385	0/575	4147/7	57488	238446	1372
71	2259	0/576	3922/2	58331	228785	1373
70	2247	0/573	3921/9	59187	232124	1374
73	2343	0/57	4110/7	60055	246865	1375
73	2329	0/58	4015/6	60976	244857	1376
67	2158	0/57	3786/5	61891	234347	1377
75	2405	0/58	4146/5	62512	259204	1378
76	2439	0/57	4279/1	63515	271785	1379
78	2514	0/575	4371/3	64584	282319	1380
87	2790	0/58	4810/3	65657	315827	1381
94	3019	0/59	5116/4	66680	341161	1382
100	3202	0/58	5521/5	67656	373560	1383

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ا - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، دفتر برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصاد کلان

طی دوره ۱۳۷۴-۱۳۷۸ درآمد ملی کشور به طور متوسط سالانه ۲/۵ درصد رشد داشته، در حالی که رشد شاخص بهبود توزیع درآمد ثابت بوده است. شاخص رفاه اجتماعی در کل کشور، متأثر از رشد درآمد ملی کشور، با رشد متوسط سالانه ۱/۳ درصد طی برنامه دوم توسعه، از رقم ۲۲۴۷ در سال ۱۳۷۴ به رقم ۲۴۰۵ در سال ۱۳۷۸ افزایش یافته است. همچنین باید متذکر شد که رکود اقتصادی ناشی از کاهش قیمت نفت در سال ۱۳۷۷ باعث کاهش شاخص رفاه به میزان ۷/۳ درصد شده است. اما در طی برنامه سوم توسعه به دلیل بهبود درآمد سرانه و ثبات شاخص توزیع درآمد، شاخص رفاه به طور متوسط سالانه ۵/۹ درصد رشد یافته است.

#### ۴. مقایسه با شاخص‌های بین‌المللی

مقایسه شاخص‌های نابرابری در ایران با سایر کشورها (اعم از توسعه یافته و در حال توسعه)، نشان می‌دهد که برخی از این شاخص‌ها در حد قابل قبول و برخی نگران‌کننده است. برای مثال ضریب جینی در ایران بیش از آنکه به کشورهای در حال توسعه (مالزی ۰/۴۹۲، برزیل ۰/۶۰۷، مکزیک ۰/۵۳) نزدیک باشد به برخی کشورهای توسعه یافته شبیه است (امریکا ۰/۴۰۸، انگلستان ۰/۳۷، ایران ۰/۴۲).<sup>۱</sup> این موضوع بیانگر آن است که توزیع امکانات زندگی بین خانوارها بهتر از آن است که سطحی مشابه درآمد ملی سرانه در مورد کشورها به دست می‌دهد. البته چون ضریب جینی نحوه توزیع هزینه و درآمد را بین تمامی گروه‌ها نشان می‌دهد، نتیجه‌گیری این قسمت ناقض این واقعیت نیست که سهم دو دهک پایین در ایران از رقم مشابه در برخی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه کمتر بوده و نشان شرایط نامطلوب این گروه اجتماعی است.

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود سهم گروه‌های پایین درآمدی در ایران در مقایسه با کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته پایین است. مثلاً شکاف شاخص "نسبت هزینه دهک ثروتمندترین به دهک فقیرترین"، در ایران با سوئیس ۴۲ درصد فرانسه ۴۶ درصد، اندونزی ۶۰ درصد و تایلند ۳۰ درصد است. یعنی برای رسیدن به وضعیت کشورهای در حال توسعه‌ای که

وضعیت مشابه اقتصادی با ایران دارند می‌بایست در حدود ۳۰ تا ۶۰ درصد این شاخص بهبود یابد، و این مهم از طریق سیاست‌های حمایتی و باز توزیعی به منظور افزایش سهم دهک‌های پایین و سیاست‌های کارآمد مالیاتی به منظور کاهش سهم دهک‌های ثروتمند، تحقق خواهد یافت.

### جدول ۳. مقایسه برخی شاخص‌های نابرابری در ایران و کشورهای منتخب

نسبت هزینه ۲۰٪ بالا به ۲۰٪ پایین	نسبت هزینه دهک بالا به دهک پایین	نام کشورها	
۵/۸	۹/۷	سوئیس	
۵/۶	۹	فرانسه	کشورهای توسعه یافته
۴/۷	۷/۲	آلمان	
۴/۶	۶/۷	اندونزی	
۹/۷	۱۵/۹	فیلیپین	کشورهای در حال توسعه
۷/۶	۱۱/۶	تایلند	
۹	۱۶/۸	ایران	ایران*

World Development Indicators, 2005 مأخذ

\* مأخذ: آمار بودجه خانوار، مرکز آمار ایران ۱۳۸۳

### ۵. چشم‌انداز دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴

#### ۱-۵. گزینه ادامه روند موجود

ادامه روندهای گذشته و تداوم ساختار اقتصاد موجود کشور را در سال‌های آتی با مشکلات جدی مواجه خواهد کرد. کاهش نرخ رشد اقتصادی همراه با نرخ بیکاری و نرخ تورم بالا، تحقق گسترش عدالت اجتماعی را که به عنوان یکی از محوری‌ترین اهداف نظام مطرح می‌شود، به خطر خواهد انداخت. متغیرهای رشد اقتصادی (تأثیر کاهنده)، تورم و بیکاری (با تأثیر فزاینده) شاخص‌های نابرابری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مدل‌های اقتصادسنجی<sup>۱</sup> نشان می‌دهند که در صورت ادامه روند موجود (گزینه ادامه روند موجود)، نابرابری افزایش می‌یابد، همان‌طور که در

جدول ۴ مشاهده می‌شود ضریب جینی از رقم ۰/۴۱۰ در سال ۱۳۸۲ به رقم ۰/۴۱۷ در سال ۱۳۸۴ و ۰/۴۶ در سال ۱۳۹۴ افزایش خواهد یافت. همچنین نسبت هزینه دهک ثروتمندترین به هزینه دهک فقیرترین گروه درآمدی نیز از رقم ۱۵/۷ در ۱۳۸۲ به رقم ۱۷/۴ در سال ۱۳۸۴ و رقم ۲۴ در سال ۱۳۹۴ افزایش خواهد یافت، نسبت هزینه ۲۰ درصد ثروتمندترین به هزینه ۲۰ درصد فقیرترین گروه درآمدی نیز از رقم ۸/۴ در ۱۳۸۲ به رقم ۹/۵ در سال ۱۳۸۴ و رقم ۱۳ در سال ۱۳۹۴ افزایش خواهد یافت. بنابراین، گزینه ادامه روند موجود، توزیع نابرابر درآمدها و افزایش نابرابری را به دنبال خواهد داشت. مقایسه شاخص‌های نابرابری در ایران و سایر کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، نگران‌کننده است، چرا که برای مثال در سال ۱۹۹۷ نسبت دهک ثروتمندترین به دهک فقیرترین در کشور اندونزی ۷/۹، پاکستان ۷/۴، چین ۱۴، لهستان ۵/۵، سوئد ۵/۴ و سوئیس ۹/۹ بوده در حالی که این نسبت در این سال در ایران ۱۸/۹ بوده است.

کاهش نابرابری مستلزم ایجاد مجموعه‌ای از تغییرات ساختاری در کشور است که اعمال این تغییرات باید منجر به افزایش رشد اقتصادی پایدار و درونزا، کاهش نرخ تورم و بیکاری در بلندمدت شود. مطالعه چرخه‌های تجاری در ایران نشان می‌دهد که تلاوم رشدهای بالا در بلندمدت به سادگی امکان‌پذیر نیست.

#### جدول ۴. گزینه ادامه روند موجود

نسبت هزینه ۲۰٪ ثروتمندترین به ۲۰٪ فقیرترین	نسبت هزینه دهک ثروتمندترین به دهک فقیرترین	ضریب جینی	
۱۱/۸۰	۲۴/۳۴	۰/۴۶	میانگین دوره ۱۳۶۰-۱۳۶۷
۱۱/۶۰	۲۵/۰۹	۰/۴۴۳	میانگین برنامه اول توسعه
۱۰/۱۰	۲۰/۰۵	۰/۴۲۶	میانگین برنامه دوم توسعه
۱۰	۱۹	۰/۴۲۲	میانگین دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۲
۹/۵	۱۷/۴	۰/۴۱۷	۱۳۸۴
۱۳	۲۴	۰/۴۶	۱۳۹۴
۱۲	۲۳	۰/۴۵	میانگین دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴

## مسائل و چالش‌ها در صورت ادامه روند موجود

- توزیع نابرابر درآمدها
- کاهش حجم حقیقی سرانه کالا و خدمات توسط دولت
- کاهش حجم حقیقی یارانه برای گروه‌های پایین درآمدی
- کاهش سطح رفاه جامعه (به دلیل کاهش درآمد سرانه و کاهش شاخص بهبود توزیع درآمد)

## ۲-۵. گزینه مطلوب

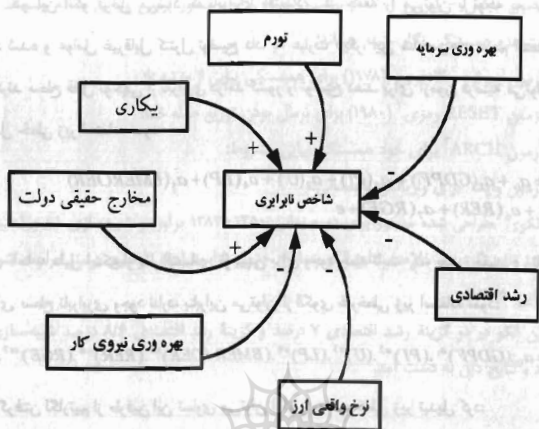
ریشه‌کن کردن فقر و تعدیل نابرابری درآمد هنگامی که همراه با رشد اقتصادی در نظر گرفته شود، به بزرگ‌ترین هدف اقتصاد توسعه و دشوارترین وظیفه سیاست‌گذاران اقتصادی تبدیل می‌گردد. هم اکنون در کشورهای جهان سوم نمونه زیادی از کشورها دیده می‌شود که به همراه بهبود سطح زندگی افراد فقیر، رشد اقتصادی را نیز تجربه کرده‌اند. این امر به واسطه سرمایه‌گذاری در انباشت سرمایه، تحصیلات، تأسیسات زیربنایی شهرها و تأمین نیازهای اساسی امکان‌پذیر شده است. از نمونه این کشورها می‌توان به کره جنوبی، تایوان و سری‌لانکا اشاره کرد.

شعبه‌نامه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

## تصریح مدل

مطالعات اقتصادی‌سنجی<sup>۱</sup> در مورد ایران نشان می‌دهد که طی دوره ۱۳۵۰-۱۳۸۳ رابطه معناداری بین متغیرهای رشد اقتصادی، تورم، بیکاری، و شاخص‌های نابرابری (ضریب جینی، نسبت دهک بالایی به دهک پایینی، نسبت ۲۰ درصد بالایی به ۲۰ درصد پایینی) به صورت نمودار زیر وجود دارد.



با توجه به کارهای انجام شده در بخش توزیع درآمد در سطح جهانی و در سطح داخلی و همچنین با توجه به وضعیت اقتصادی ایران، مدل زیر برای برآورد شاخص نابرابری پیشنهاد می‌شود:

$$G_t = f(GDPF_t, PI_t, U_t, LP_t, BMER_t, OER_t, RER_t, RGE_t)$$

$G$ : شاخص نابرابری (ضریب جینی، نسبت دهک بالا به پایین، ...)

$GDPF$ : تولید ناخالص داخلی حقیقی

$PI$ : تورم،  $U$ : بیکاری،  $LP$ : بهره‌وری نیروی کار

$BMER$ : نرخ ارز بازار آزاد،  $OER$ : نرخ ارز رسمی

$\frac{BMER}{OER}$ : حاشیه نرخ ارز،  $RER$ : نرخ واقعی ارز

$RGE$ : مخارج حقیقی دولت،  $t$ : زمان

در این الگو فرض می‌شود که نابرابری اقتصادی در جامعه را می‌توان با توجه به عوامل یاد شده و عوامل غیرقابل کنترل توضیح داد. به عبارت دیگر، این شاخص‌های مهم اقتصادی قادرند سطح قابل توجهی از نابرابری درآمد کشور را توضیح دهند. برای آزمون فرضیه می‌توان از مدل خطی زیر استفاده نمود:

$$G = a_0 + a_1(GDPF) + a_2(PI) + a_3(U) + a_4(LP) + a_5(BMEROER) + a_6(RER) + a_7(RGE) + e$$

اما به دلیل اینکه از نظر اقتصادی توجیهی برای وجود جمله ثابت  $a_0$ ، یعنی مقداری ثابت برای سطح نابرابری وجود ندارد، بنابراین می‌توان از الگوی غیرخطی زیر استفاده نمود:

$$G = a_0.(GDPF)^{a_1}.(PI)^{a_2}.(U)^{a_3}.(LP)^{a_4}.(BMER / OER)^{a_5}.(RER)^{a_6}.(RGE)^{a_7}.e$$

با گرفتن لگاریتم از طرفین این تساوی می‌توان الگو را به فرم خطی زیر تبدیل کرد:

$$\text{Log}(G) = b_0 + a_1 \text{Log}(GDPF) + a_2 \text{Log}(PI) + a_3 \text{Log}(U) + a_4 \text{Log}(LP) + a_5 \text{Log}(BMER / OER) + a_6 \text{Log}(RER) + a_7 \text{Log}(RGE) + V$$

که در آن  $V$  جمله خطاست. همچنین باید متذکر شد که مدل مذکور به صورت پیشنهاد اولیه است و ممکن است برخی از متغیرها به دلیل همخطی در مدل نهایی حذف شوند. در این الگو پس از حصول اطمینان از مرتبه جمع متغیرهای موجود در هر معادله، وجود یک بردار همگرایی بین متغیرها بر اساس آزمون همگرایی یوهانسن بررسی، سپس ضرایب هر معادله به روش OLS برآورد می‌شود. پس از برآورد ضرایب معادلات، وجود ریشه واحد در جمله پسماند هر معادله به روش انگل و گرنجر مورد آزمون قرار می‌گیرد تا نسبت به همجمعی متغیرهای معادله اطمینان حاصل شود. همچنین مجموعه‌ای از آزمون‌های تشخیص به منظور ارزیابی صحت و اعتبار روابط برآورد شده از نظر آماری مورد استفاده قرار می‌گیرد. اهم این آزمون‌ها عبارتند از:



۱. آزمون باکس - پیرس (۱۹۷۰) براساس آماره Q به منظور آزمون پایایی جمله پسماند و مشاهده همبستگی نگار جمله پسماند؛

۲. آزمون بروش - گادفری<sup>۱</sup> (۱۹۷۸) برای همبستگی پیایی از مرتبه k؛

۳. آزمون RESET رمزی<sup>۲</sup> (۱۹۸۰) برای نرمال بودن توزیع جمله خطا؛

۴. آزمون ARCH<sup>۳</sup> برای خود همبستگی پیایی مشروط؛

۵. آزمون وایت<sup>۴</sup> برای واریانس ناهمسانی.

الگوی طراحی شده مذکور برای دوره زمانی ۱۳۵۰-۱۳۸۳ برآورد و شبیه‌سازی شد و اعتبار مدل نیز تأیید گردید و خلاصه نتایج الگو به شرح جدول ۵ است (برای توضیح بیشتر مراجعه شود به زیبایی، ۱۳۸۴).

این الگو در دو گزینه رشد اقتصادی ۷ درصد و گزینه رشد اقتصادی ۸/۶ درصد شبیه‌سازی گردید و نتایج ذیل به دست آمد.

### گزینه رشد اقتصادی ۷ درصد

#### مفروضات<sup>۵</sup>

- متوسط رشد سالانه تولید ناخالص داخلی معادل ۷ درصد طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴
- متوسط رشد سالانه تورم معادل ۸ درصد طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴
- متوسط رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار معادل ۳/۵ درصد طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴
- متوسط رشد سالانه نرخ ارز آزاد معادل نرخ تورم طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴
- متوسط رشد سالانه مخارج حقیقی دولت معادل نرخ تورم طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴

1. Breusch - Godfrey

2. Ramsey

3. Autoregressive Conditional Heteroscedasticity, R.F.Engle (1982)

4. White

۵. مفروضات این گزینه برگرفته از نتایج گزینه مطلوب (رشد متعادل با رویکرد هم پیوندی) در برنامه چهارم توسعه است (چشم‌انداز توسعه کشور در افق ۲۰ ساله، گزارش شماره ۱۷- قانون برنامه چهارم توسعه، جدول شماره ۲، صفحه ۲۰۴).

جدول ۵. بررسی اثرهای برخی متغیرهای تأثیرگذار بر نابرابری در ایران (۱۳۵۰-۱۳۸۳)

متغیر مستقل	متغیر وابسته			
	GINI ضریب جینی	L10H10 نسبت دهک پایینی به دهک بالایی	L20H20 نسبت ۲۰٪ پایینی به ۲۰٪ بالایی	SWI شاخص رفاه اجتماعی
ضریب ثابت	8/54 (10/63)*	-24/48 (-7/5)	-20/53 (-11/6)	-9/57 (-7/3)
بهره‌وری نیروی کار	-0/17 (-3/3)	1/31 (4/4)	0/95 (7/9)	1/13 (14/6)
تورم	0/031 (2/5)	-0/14 (-2/6)	-0/038 (-1/7)	-0/08 (-3/5)
بیکاری	—	-0/022 (-2/3)	-0/015 (-2/7)	-0/011 (-2/5)
مخارج واقعی دولت	0/14 (6/5)	-0/22 (-4/9)	-0/206 (-6/3)	—
بهره‌وری سرمایه	—	—	—	0/12 (3/2)
نرخ واقعی آرز	-0/042 (-3/4)	—	—	—
روند زمان	-0/007 (-12/0)	0/017 (6/6)	0/014 (10/6)	0/005 (5/7)
R <sup>2</sup>	0/928	0/899	0/923	0/958
D.W	1/48	2/06	229	2/13
ADF	-4/33	-4/85	-4/96	-5/2
C.V 1%	-2/64	-2/64	-2/64	-2/64

\* مقادیر داخل پرانتز نشان‌دهنده آماره t می‌باشد.

### نتایج

- کاهش ضریب جینی از رقم ۰/۴۲۰ در سال ۱۳۸۱ به رقم ۰/۴۱۷ در سال ۱۳۸۴ و رقم ۰/۳۷ در سال ۱۳۹۴، و متوسط ۰/۳۸۸ برای دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴

- کاهش نسبت دهک بالایی به پایینی از رقم ۱۹ در سال ۱۳۸۱ به رقم ۱۷/۴ در سال ۱۳۸۴ و رقم ۱۲/۷ در سال ۱۳۹۴ به قسمی که متوسط این شاخص طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴ به ۱۴/۲ خواهد رسید.
- نسبت ۲۰ درصد بالایی به ۲۰ درصد پایینی از رقم ۹/۵ در سال ۱۳۸۱ به رقم ۹/۵ در سال ۱۳۸۴ و به رقم ۷ در سال ۱۳۹۴ کاهش می‌یابد به قسمی که متوسط این شاخص طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴ به ۷/۵ خواهد رسید.

### گزینه رشد اقتصادی ۸/۶ درصد

#### مفروضات<sup>۱</sup>

- متوسط رشد سالانه تولید ناخالص داخلی معادل ۸/۶ درصد طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴
- متوسط رشد سالانه تورم معادل ۵ درصد طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴
- متوسط رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار معادل ۴/۴ درصد طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴
- متوسط رشد سالانه نرخ ارز آزاد معادل نرخ تورم طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴
- متوسط رشد سالانه مخارج حقیقی دولت معادل نرخ تورم طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴

#### نتایج

- کاهش ضریب جینی از رقم ۰/۴۲۰ در سال ۱۳۸۱ به رقم ۰/۴۱۷ در سال ۱۳۸۴ و رقم ۰/۳۵ در سال ۱۳۹۴، و متوسط ۰/۳۷ برای دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴
- کاهش نسبت دهک بالایی به پایینی از رقم ۱۹ در سال ۱۳۸۱ به رقم ۱۷/۴ در سال ۱۳۸۴ و رقم ۱۱ در سال ۱۳۹۴ به قسمی که متوسط این شاخص طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴ به ۱۳ خواهد رسید.

۱. مفروضات این گزینه برگرفته از نتایج گزینه مطلوب (رشد سریع با رویکرد هم‌پوندی) در برنامه چهارم توسعه است (چشم‌انداز توسعه کشور در افق ۲۰ ساله، گزارش شماره ۱۷- قانون برنامه چهارم توسعه، جدول شماره ۲، صفحه ۲۰۴)

- نسبت ۲۰ درصد بالایی به ۲۰ درصد پایینی از رقم ۹/۵ در سال ۱۳۸۱ به رقم ۹/۵ در سال ۱۳۸۴ و به رقم ۵/۷ در سال ۱۳۹۴ کاهش خواهد یافت به قسمی که متوسط این شاخص طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴ به ۶/۸ خواهد رسید.

جدول ۶. نتایج حاصل از گزینه رشد اقتصادی مطلوب

گزینه	شاخص	۱۳۸۱	۱۳۸۴	۱۳۹۴	متوسط دوره (۱۳۸۴-۱۳۹۴)
گزینه رشد اقتصادی %۷	ضریب جینی	۰/۴۲۰	۰/۴۱۷	۰/۳۷	۰/۳۸۸
	نسبت هزینه دهک ثروتمندترین به دهک فقیرترین	۱۹	۱۷/۴	۱۲/۷	۱۴/۲
	نسبت هزینه %۲۰ ثروتمندترین به %۲۰ فقیرترین	۹/۵	۹/۵	۷	۷/۵
گزینه رشد اقتصادی %۸/۶	ضریب جینی	۰/۴۲۰	۰/۴۱۷	۰/۳۵	۰/۳۷
	نسبت هزینه دهک ثروتمندترین به دهک فقیرترین	۱۹	۱۷/۴	۱۱	۱۳
	نسبت هزینه %۲۰ ثروتمندترین به %۲۰ فقیرترین	۹/۵	۹/۵	۵/۷	۶/۸

اما باید به این نکته توجه نمود که کاهش نابرابری و بهبود توزیع درآمد در گزینه مطلوب که ناشی از رشد اقتصادی بالا و تورم پایین است، به سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود زیرا مطالعه تجربه‌های گذشته نشان می‌دهد که به دلیل عدم اصلاحات ساختاری و عدم توجه به سازوکارهای ایجادکننده رشد اقتصادی پایدار و به ویژه به دلیل عدم اصلاح ساختار دولت، رونق‌های به دست آمده موقتی و مقطعی خواهد بود. بنابراین رشد پایدار و تورم پایین نیازمند نظام اقتصادی کاراست. بدین ترتیب تجهیز و تزریق منابع با حفظ ساختار موجود اقتصاد کارساز نبوده و جز اتلاف منابع، نتیجه بلندمدتی نخواهد داشت. از این رو، تحقق هدف رشد پایدار نیازمند مجموعه‌ای از تغییرات ساختاری و الزامات سیاسی است که اهم آنها عبارتند از: اصلاح و ساماندهی بخش عمومی، سازماندهی بازارها، ایجاد ثبات در فضای سیاست‌گذاری اقتصاد کلان

کشور، ایجاد زمینه‌های مناسب برای حفظ و رعایت حقوق مالکیت معنوی و ضمانت اجرای آن، ایجاد زمینه‌های مناسب برای تجهیز منابع مورد نیاز رشد، گسترش سطح آموزش و مهارت و دانش فنی در جهت افزایش بهره‌وری و ...

توسعه پایدار به عنوان بهبود مستمر در سطح زندگی و کیفیت آن مطرح است. این تعریف به جز افزایش سطح درآمد ملی، مسائلی چون آموزش بهتر، کیفیت بالای بهداشت و تغذیه، فقر کمتر، محیط زیست محافظت شده، تساوی هر چه بیشتر فرصت‌ها برای عموم و از همه مهم‌تر امکان زندگی فرهنگی غنی را شامل می‌شود. بر خلاف دیدگاه‌های گذشته، ادبیات جدید رشد که بر مبنای عملکرد و تجربه گذشته اقتصادها شکل گرفته است بر ارتقای بهره‌وری از طریق توسعه کیفی سرمایه انسانی تأکید خاص دارد.

در توسعه منابع انسانی، مهم‌ترین نکته در شرایط حاضر کشور ما ایجاد تفکیک بین سیاست‌های مرتبط با ارتقای سطح دانش و آگاهی‌های عمومی و سیاست‌های مربوط به تربیت نیروی متخصص مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی است. در بخش اول، توسعه منابع انسانی رویکرد سرمایه‌گذاری اجتماعی دارد که بنا به ماهیت آن، به طور طبیعی هزینه عمومی تلقی می‌گردد و لازم است از محل مالیات‌ها تأمین منابع شود. در مقابل در بخش دوم، اصل بر سودآوری است که تقاضای بخش‌های اقتصادی جهت‌گیری‌ها و منابع آن را باید تأمین نماید.

## ۶. محورها و گرایش‌های اصلی برنامه چهارم و ابعاد اجرایی آن در بخش توزیع درآمد و رفاه اجتماعی

- هدفمند کردن یارانه‌ها و اجرای نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی
- اختصاص منابع حاصل از هدفمند کردن یارانه‌ها برای اجرای برنامه‌های رفاه اجتماعی
- هدفمند کردن فعالیت‌های حمایتی برای توانمندسازی افراد تحت پوشش مؤسسات و نهادهای حمایتی و ارتقای مشارکت نهادهای غیردولتی و مؤسسات خیریه در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی

- پوشش فراگیر و الزامی بیمه سلامت برای آحاد جمعیت مقیم در پهنه جغرافیایی
- طراحی و استقرار نظام جامع مدیریت خدمات درمانی کشور با تأکید بر تأمین منابع مالی مورد نیاز مراقبت‌های اولیه بهداشتی به وسیله دولت و ارائه خدمات بالینی با مشارکت دولت، بیمه‌ها و مردم
- تلاش در جهت توسعه خدمات حمایتی دولت به گروه‌های آسیب‌پذیر

## ۷. مشکلات و چالش‌های پیش روی بخش توزیع درآمد و عدالت اجتماعی

### ۷-۱. مسائل اساسی

- توزیع نابرابر درآمدها: در کشور ما سهم دهک بالایی (ثروتمندترین) از کل درآمدها ۳۰ درصد و سهم دهک پایین (فقیرترین) تنها ۱/۸ درصد است. یعنی نسبت دهک بالا به پایین ۱۷ برابر باشد این شاخص در مقایسه ارقام بین‌المللی عدم بهبود توزیع درآمد را در دهک‌های حدى منعکس می‌کنند. برای مثال نسبت دهک بالا به پایین درآمدی در کشور پاکستان ۷/۴، چین ۱۴، لهستان ۵/۵ و برای کشورهای پیشرفته نظیر انگلستان ۱۰/۳، سوئد ۵/۴ و سوئیس ۹/۹ است.
- ناعادلانه بودن میزان بهره‌مندی اقشار آسیب‌پذیر و محروم جامعه از یارانه‌ها در مقایسه با اقشار مرفه جامعه: آمارها نشان می‌دهد که سهم مصرف ۳۰ درصد مرفه جامعه از کل مصرف بنزین بیش از ۶۵ درصد بوده و یارانه مستقیم بنزین برای اقشار کم درآمد کمتر از ۲ درصد بوده، آنچه مسلم است اینکه کمک‌ها و حمایت‌های دولت ناکافی نیست بلکه ناکارآمد است. برای مثال در سال ۱۳۷۷ شکاف فقر<sup>۱</sup> در حدود ۴۸۰۰ میلیارد ریال به‌دست آمده است

۱. شکاف فقر: هزینه‌ای که ضروری است تا خانوارهای شهری و روستایی زیر خط فقر به سطح خط فقر ارتقا یابند.

در حالی که تنها میزان یارانه پرداختی به بخش مصرف و کالاهای اساسی ۵۲۰۰ میلیارد بوده و به رغم حمایت‌ها و یارانه‌های پرداختی دولت در این سال، درصد چشمگیری از خانوارهای شهری و روستایی در زیر خط فقر قرار داشته‌اند.

- **عدم بهره‌مندی اقشار کم‌درآمد جامعه از امکانات عمومی (اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی):** نامناسب بودن وضعیت تغذیه و بهداشت در خانوارهای کم درآمد، عدم پوشش کامل آموزش ابتدایی و راهنمایی در خانوارهای کم درآمد، آمارها نشان می‌دهد ۷۲ درصد سرپرست خانوارها در دهک اول بی‌سواد هستند و در دهک دهم این شاخص ۱۷/۶ درصد است. همچنین ۶ درصد از افراد سرپرست خانوار در دهک اول (فقرترین دهک) تحصیلات دیپلم و بالاتر دارند در حالی که در دهک دهم (ثروتمندترین دهک) این شاخص در حدود ۴۶ درصد است، همچنین از عواقب عدم بهره‌مندی اقشار کم درآمد از امکانات عمومی ایجاد شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی و عدم تعادل‌های منطقه بوده است.
- **عدم جامعیت در ارائه خدمات امور تأمین اجتماعی:** بخش چشمگیری از جمعیت کشور فقط در سطحی محدود از خدمات درمانی برخوردار بوده و از مزایایی همچون بیمه بازنشستگی، از کارافتادگی، بیکاری، ... بی‌بهره‌اند.
- **تعدد نهادها و دستگاه‌های حمایتی و امدادی نظیر:** سازمان تأمین اجتماعی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی، بنیاد شهید، ... و عدم هماهنگی بین دستگاه‌های مذکور، شفاف نبودن حمایت و کارکرد دوگانه و چندگانه برخی نهادهای حمایتی، ساختار تشکیلاتی چند لایه (به اصطلاح عمودی) و غیر کارا و بوروکراسی اداری در دستگاه‌های حمایتی و امدادی.

• فقدان نظام مالیاتی مناسب و کارا در جهت بهبود توزیع درآمدها

## ۷-۲. چالش‌های اساسی

مهم‌ترین و عمده‌ترین چالش‌های پیش روی بخش عدالت اجتماعی عبارتند از:

- ایجاد نظام جامع تأمین و رفاه اجتماعی

- کاهش فقر، بیکاری و نابرابری
- متشکل نمودن سازمان‌های حمایتی و امدادی زیر نظر یک مرجع واحد به منظور حذف فعالیت‌های موازی و تمرکز در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی کلان
- اصلاح نظام ناکارآمد و غیرهدفمند یارانه‌ها<sup>۱</sup>
- افزایش سرمایه انسانی در اقشار کم درآمد و رفع عدم تعادل‌های منطقه‌ای از طریق متعادل نمودن توزیع امکانات عمومی (اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی)

## ۸. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق (طبق الگوی اقتصادسنجی مورد استفاده در این تحقیق)، اجرای راهکارها و توصیه‌های سیاستی ذیل در بلند مدت (برخی از طریق: اصلاح نرخ واقعی ارز، کاهش تورم، بهبود و ارتقای بهره‌وری، کاهش بیکاری، کاهش مخارج دولت و برخی به طور مستقیم) منجر به بهبود توزیع درآمدها و افزایش رفاه اجتماعی در کشور می‌شود.

- اصلاح نرخ واقعی ارز
- مهار و کاهش نرخ تورم از طریق:
  - اتخاذ سیاست‌های مناسب پولی و مالی دولت
  - توسعه و تعمیق بازارهای مالی، سرمایه، پول و ارز
- انضباط مالی دولت و کاهش مخارج دولت
- کوچک‌سازی دولت (در جهت کاهش مخارج دولت و افزایش کارایی) و توجه به سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و فراهم آوردن بسترهای لازم در جهت حرکت به سمت خصوصی‌سازی
- اتخاذ سیاست‌های مناسب در خصوص افزایش و ارتقای بهره‌وری نظیر:

۱. میزان یارانه حامل‌های انرژی در بودجه مصوب سال ۱۳۸۲ معادل ۱۰۲۸۸۶ میلیارد ریال بوده که این رقم ۲۶/۳ درصد از کل بودجه عمومی دولت است.



- ارتقای انگیزه نیروی کار در کار بیشتر و مفیدتر، ابداع، نوآوری، خلاقیت و کارآفرینی
- ارتقای سطح دانش فنی و نرخ پیشرفت فنی و کاستن از سطح آن با سطح جهانی
- حمایت از استقرار و توسعه بنگاه‌های اقتصادی دانش محور
- کاهش فاصله تولید بالفعل و بالقوه از طریق استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود
- تسریع در فرآیند خصوصی‌سازی، کاهش انحصارها و گسترش شرایط رقابتی به منظور فراهم نمودن بسترهای مناسب برای استفاده بیشتر از نیروی انسانی متخصص

• ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، افزایش اشتغال‌زایی و کاهش بیکاری از طریق:

- ایجاد انعطاف‌پذیری در بازار کار از طریق اصلاح قوانین از جمله قانون کار و تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری

- توسعه کمی و کیفی مراکز کاریابی و آموزش فنی و حرفه‌ای به‌منظور دسترسی به شغل و انتخاب نیروی کار مناسب

- حمایت از آموزش‌های مهارتی و تخصصی متناسب با نیازهای بازار کار

- اصلاح نظام دستمزدها

- استفاده از مشوق‌های مناسب برای ترغیب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در مناطق دارای نرخ بیکاری بالا و مناطق روستایی
- استفاده از مشوق‌های مناسب برای ترغیب سرمایه‌گذاران در به‌کارگیری جوانان، زنان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی

• افزایش کارایی سرمایه‌گذاری و بهره‌وری سرمایه از طریق:

- کاهش دوره ساخت طرح‌های عمرانی از طریق اولویت دادن به تکمیل طرح‌های نیمه تمام و متناسب کردن تعداد طرح‌ها با بودجه عمرانی

- تسریع در نوسازی تجهیزات و ماشین‌آلات و امکانات سرمایه‌ای فرسوده

- اولویت دادن به انجام سرمایه‌گذاری‌های مکمل سرمایه‌های قبلی در جهت دستیابی

به ترکیب بهینه انواع سرمایه

- توجه بیشتر به توجیه اقتصادی، اجتماعی و فنی در انتخاب طرح‌های سرمایه‌گذاری

همچنین در کنار سیاست‌های مذکور (منتج از مدل و الگو) راهکارهای سیاستی مکمل

ذیل به‌منظور بهبود توزیع درآمد و افزایش رفاه در جامعه اجتناب‌ناپذیر است:

- گسترش حمایت‌های اجتماعی (تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری، برابری فرصت‌های شغلی برای مردان و زنان)

- تأمین حداقل معیشت گروه‌های کم درآمد و اقشار آسیب‌پذیر جامعه، شامل: بهره‌مندی از بهداشت عمومی، برخورداری از آموزش و پرورش عمومی، داشتن حداقل سرپناه قابل قبول و امنیت غذایی

- توسعه کارآفرینی و توانمندسازی فقرا و اقشار کم درآمد

- توانمندسازی جوانان، زنان، فارغ‌التحصیلان و سایر افراد جویای کار

- ایجاد فرصت‌های برابر اجتماعی برای کسب آموزش و مهارت و دسترس به سرمایه‌های مالی و فیزیکی از طریق بازارهای مناسب

- افزایش سرمایه انسانی در اقشار کم درآمد و رفع عدم تعادل‌های منطقه‌ای از طریق متادل نمودن توزیع امکانات عمومی (اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی)

- ایجاد نظام مالیاتی مناسب و کارا در جهت بهبود توزیع درآمدها

- هدفمند نمودن یارانه‌ها به سمت گروه‌های آسیب‌پذیر و اقشار نیازمند جامعه

- اصلاح قیمت‌های نسبی، به‌خصوص قیمت حامل‌های انرژی توأم با گسترش، توسعه و بهبود حمل و نقل عمومی

## منابع

## الف) فارسی

- آمارهای بودجه خانوار مرکز آمار ایران، سال‌های مختلف.
- ابونوری، اسمعیل (۱۳۷۶). «اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۱
- جلالی، سعید (۱۳۸۰). *قانون برنامه سوم توسعه در نظم حقوقی کنونی*، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- زیبایی، حسن (۱۳۸۴). *ارزیابی سهم عوامل تعیین‌کننده نابرابری و توزیع درآمد در ایران*، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، دفتر اقتصاد کلان.
- طیبیان، محمد (۱۳۷۹). *قصر و توزیع درآمد در ایران*، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۷). *قانون برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، (۱۳۶۸-۱۳۷۲).
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۲). *مستندات برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۳). *قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، (۱۳۸۴-۱۳۸۸).
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۳). *مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*.

## ب) انگلیسی

- Ahluwalia, M.S, (1976). "Inequality, Poverty and Development", *Journal of Development Economics*, Vol. 3, No.4, pp. 307-342.

- Blejer, Mario and Isabel Guerrero (1990). "The Impact of Macroeconomic Policies on Income Distribution: An Empirical Study of The Philippines", *The Review of Economics and Statistics*, Vol.72. pp.414-423.
- Blinder, Alan s. and Howard Y. Esaki (1978). "Macroeconomic Activity and Income Distribution in the Post War United States. " *The Review of Economics and Statistics* 60, pp. 604-609.
- Bourguignon, J. de Melo and C. Morrison (1991). "Contents, Poverty and Income Distribution during Adjustment", *World Development*.
- Gunnar, Myrdal (1973). "Equity and Growth", *World Development* 1.
- Kravis, I.B (1960). "International Differences in Distribution of Income", *The Review of Economics and Statistics* 42, pp. 408-416.
- Kuznets, S. (1955). "Economic Growth and Income Distribution", *American Economic Review*, Vol.79, pp. 1-28.
- Lindert, Peter H. and Jeffrey G. Williamson (1984). "Growth, Equality, and History", *Harvard Institute of Economic Research, Discussion Paper Series*, No.1052, pp. 307-342.
- Michael, Sarel (1997). "How Macroeconomic Factors Affect Income Distribution: The Cross-Country Evidence".
- Nolan, Brain (1987). "Income Distribution and Macro Economy", *Cambridge University Press*.
- Oshima, Harry (1970). "International Comparison of Size Distribution of Family Incomes with Special Reference of Asia", *Review of Economics and Statistics*.
- Paukert, Felix (1973). "Income Distribution at Different Levels of Development: A Survey of Evidence", *International Labor Review*, Vol. 108, pp.97-126.
- Ram, R. (1988). "Economic Development and Income Inequality: Further Evidence on U-curve Hypothesis", *World Development*, 16.
- Robinson, Sherman (1976). "A Note on the U Hypothesis Relating Income Inequality and Economic Development", *American Economic Review*, Vol. 66, pp. 437-440.
- Sen Amartya (1976). "poverty: An Ordinal Approach to Measurement" *Econometric* 44, pp.243-262